



دانشگاه باقرالعلوم

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام  
رساله جهت اخذ درجه دکتری  
رشته مدرسی معارف اسلامی  
گرایش اخلاق اسلامی

عنوان

# تأثیر متقابل فقه و اخلاق در استنباط احکام

## فقهی و احکام اخلاقی

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین توسلی

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سعید ضیایی فر

نگارش:

سید رضی قادری

زمستان ۱۳۹۶

دسترس

## حمد و سپاس

الحمد لله رب العالمين اللهم انى احمد حمداً يقل فى انتشاره حمد كل حامد و يضمحل باشتهاره جحد كل جاحد و يحل باعتباره عقد كل كائد و الصلاة و السلام على خير خلقك و اشرف بريتك حضرت محمد المصطفى و آله الطيبين الطاهرين و اللعن الدائم على اعدائهم الى يوم الدين.

حمد و سپاس بر درگاه ذات لايزال الهى كه رحمت بيكران و الطاف بى منتهى او بر تمامى بندگانش از جن و انس سرازير است . با صلوات و سلام بر خاتم الانبياء حضرت محمد مصطفى (صلى الله عليه وآله و سلم) و اهل بيت مكرم او حضرت اميرالمومنين على « عليه السلام » و حضرت فاطمه زهرا « سلام الله عليها » و امام حسن مجتبى « عليه السلام » ، امام حسين « عليه السلام » ، امام سجاد « عليه السلام » امام محمدباقر « عليه السلام » ، امام جعفر صادق « عليه السلام » امام موسى كاظم « عليه السلام » امام رضا « عليه السلام » ، امام جواد « عليه السلام » ، امام هادى « عليه السلام » امام حسن عسگرى « عليه السلام » ، امام مهدى (عج) كه شمس هدايت بشرى و اقمار سعادت انساني هستند و حقا كه بيان و بنان عاجز است در شكر به درگاه الهى نسبت به عظمت و جودى و اهميت كلمات و روايات آن بزرگواران .

با درود و سلام بر روان پاك راويان و علمای اخلاق و فقهای عظيم الشان كه با قلم خویش مصداق سوگند الهى در «ن و القلم و ما يسطرون» شده آن گاه در قالب «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء» در آمده و سپس انسانها را در مسير هدايت و سعادت بر سر سفره شريعت شيرين فقه حضرت محمد « صلى الله عليه و آله و سلم» و اهليت آن حضرت نشانده اند.

با درود و سلام و عرض ارادت نسبت به تمامى فقها و عالمان معاصر كه در قيد حياتند و با مباحث علمى و فقهى چراغ شريعت را روشن نگهداشته و راه هدايت و سعادت را هموار مى نمايند.

## تقدیر:

با تشکر از همه عزیزان و بزرگوارانی که شفاها یا از کتب و مقالات آنها بهره بردیم، به ویژه از استاد معظم راهنما جناب آقای دکتر توسلی و نیز استاد معظم مشاور جناب آقای دکتر ضیائی فر که از راهنمایی ها و مشاوره های ایشان نهایت استفاده را بردیم.

## چکیده

آموزه‌ها و معارف دین اسلام برای هدایت انسانها و جامعه بشری به سوی کمالات دنیوی و اخروی تنظیم شده‌اند. این آموزه‌ها هر چند در تقسیم بندی علوم، هر یک عهده دار تامین بخشی از کمالات و برنامه های سعادت انسان هستند. لکن نمی توانند جدای از هم و یا در تضاد و تناقض با یکدیگر باشند. آشنایی هر چه بیشتر با آموزه های دینی به ویژه آموزه هایی که سنخیت و ارتباط نزدیکی با هم دارند، بی تردید به ارتقای سطح معرفت دینی عالمان و مکلفان و مومنان خواهد انجامید. از آنجایی که فقه و اخلاق هر دو در ترسیم رفتار مطلوب بیرونی مکلف تأثیر دارند و هر یک با ادله و روشهای خاص خود انجام وظیفه می کنند طبیعی است توجه به هر دو بعد اخلاقی و فقهی تکالیف یاد شده به تعمیق بینش دینی منجر می شود. و از سوی دیگر بی توجهی به آموزه های اخلاقی مرتبط در استنباطهای فقهی احیاناً به استنباطهای غیر اخلاقی بیانجامد و نیز عدم دقت و بی بهره گی از احکام فقهی در استخراج احکام اخلاقی ممکن است دچار ذوق نگری و انحصار گرایی در این ساحت بشود. نگارنده با این اندیشه به مقایسه علم شناختی دو علم فقه و اخلاق در ۹ محور پرداخته است که می توان به مقایسه در موضوع، محمول، روش، هدف، منابع، روش، مبانی و مانند آن اشاره کرد. سپس شیوه های بهره گیری از اخلاق در استنباطهای فقهی را در ۵ مبحث تبیین کرده است از جمله این مباحث می توان به بهره گیری در انصراف از اطلاعات و عمومات، در حل تعارضات، در تخصیص و تقیید، تضعیف یا تقویت ادله نقلی فقهی، رفع ابهام و اجمال یاد کرد. در ادامه انحای بهره گیری از احکام فقهی در استنباطهای اخلاقی اشاره شده است که به تبیین حدود آموزه های اخلاقی، تبیین مقدمات استدلال، تایید یا تشکیک در احکام اخلاقی، تبیین دقیق آموزه های اخلاقی، بهره گیری در مقام حل تعارض تذکر داده شد. در خاتمه هم نتیجه گیری و پیشنهادات مطرح شده است.

**کلید واژه ها:** علم اخلاق، علم فقه، احکام، آموزه ها، تعامل فقه و اخلاق، تأثیر متقابل

## فهرست مطالب

۱.....	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۲.....	گفتار اول: کلیات
۲.....	پیشگفتار:
۸.....	بیان مسئله:
۱۲.....	سوالات:
۱۲.....	سوال اصلی:
۱۲.....	سوالات فرعی:
۱۲.....	اهداف تحقیق:
۱۳.....	پیشینه تحقیق:
۱۹.....	نوآوری تحقیق:
۱۹.....	نوع تحقیق:
۲۰.....	روش تحقیق:
۲۰.....	روش گردآوری اطلاعات:
۲۰.....	فرضیه تحقیق:
۲۱.....	گفتار دوم: مفهوم شناسی
۲۱.....	۱- فقه:
۲۱.....	معنای اول: معنای لغوی
۲۲.....	معنای دوم: فهم عمیق دین
۲۳.....	معنای سوم: علم و فهم عمیق به احکام شرعی
۲۵.....	معنای چهارم: معنای اصطلاحی فقه
۲۷.....	۲- اخلاق:
۲۷.....	اخلاق در اصطلاح:
۲۷.....	الف) ملکه و صفات نفسانی پایدار:
۲۹.....	ب) کارها و اعمال و رفتار بد یا خوب:
۳۰.....	ج) رفتار و صفات نیک:
۳۱.....	تعریف علم اخلاق
۳۴.....	۳- استنباط

۳۹	فصل دوم: بررسی مقایسه ای علم فقه و علم اخلاق (تشابهات و تفاوتها)
۴۰	گفتار اول: مبانی علم فقه و علم اخلاق
۴۱	الف) ابزار معرفت
۴۵	ج) هسته های دینی معرفت
۴۵	۱- معرفت خداوند
۴۸	۲- معرفت انسان:
۵۱	گفتار دوم: منابع
۵۱	الف) منابع علم فقه
۵۱	منابع اولیه:
۵۱	منابع ثانویه:
۵۱	۱- قرآن کریم
۵۳	۲- سنت:
۵۳	۳- عقل
۵۴	۴- اجماع
۵۵	ب) منابع علم اخلاق:
۵۵	۱- قرآن
۵۶	۲- سنت:
۵۶	۳- عقل:
۵۷	۴- شهود
۵۸	مقایسه فقه و اخلاق از منظر منابع:
۶۰	گفتار سوم: روش اخلاق و فقه
۶۰	الف) روش فقه
۶۳	ب) روش اخلاق
۶۵	گفتار چهارم: هدف
۶۵	الف) هدف علم فقه
۶۷	ب) هدف علم اخلاق
۶۸	مقایسه فقه و اخلاق در هدف:
۷۰	گفتار پنجم: موضوع علم فقه و اخلاق
۷۰	الف) موضوع علم فقه

۷۲	ب) موضوع علم اخلاق:.....
۷۴	گفتار نهم: محمول اخلاقی و فقهی (گزاره).....
۷۴	الف) محمول فقهی.....
۷۵	ب) محمول اخلاق.....
۷۸	گفتار هفتم: مسائل فقهی و اخلاقی:.....
۷۸	الف) گزاره فقهی:.....
۷۹	ب) گزاره اخلاقی:.....
۸۲	گفتار هشتم: تبویب مسائل در فقه و اخلاق.....
۸۲	الف) تبویب مسائل در فقه.....
۸۷	ب) تبویب مسائل اخلاقی (رویکردها).....
۹۲	گفتار نهم: تحلیل و تامل در برخی قواعد و قراین.....
۹۲	یکم: تحلیل اوامر امتحانی شریعت در ذبح اسماعیل (ع).....
۹۳	نظریه آگوستین:.....
۹۳	نظریه کرگگور:.....
۹۳	نظریه مختار:.....
۹۴	۳/۱ فعل انجام شده:.....
۹۴	۳/۲ فاعل فعل:.....
۹۶	۳/۳ آمر فعل:.....
۹۶	دوم: عدم تسری قاعده تسامح در ادله سنن در اخلاق.....
۹۷	الف) جایگاه قاعده تسامح در ادله سنن.....
۹۸	ب) دلیل قاعده تسامح:.....
۹۹	ج: تحلیل دلالت روایات:.....
۹۹	د: ریشه یابی تسری قاعده تسامح از فقه به اخلاق:.....
۱۰۰	سوم: ماهیت قضایای اخلاقی.....
۱۰۱	۱- گزاره های انشایی و اخباری:.....
۱۰۲	۲- حسن و قبح.....
۱۰۲	۳- باید و نباید:.....
۱۰۳	۴- تجربی بودن قضایای اخلاقی.....
۱۰۴	۵- کلی بودن قضایای اخلاقی:.....



چهارم: تلازم حق و تکلیف .....	۱۰۵
۱- صورت اول تلازم حق و تکلیف .....	۱۰۶
۱-۱- حق مستلزم تکلیف است. ....	۱۰۶
۱-۲- تکلیف مستلزم حق است .....	۱۰۷
۲- صورت دوم تلازم حق و تکلیف .....	۱۰۸
پنجم: کارکردهای عقل در استنباط احکام .....	۱۱۰
تعریف عقل مصطلح: .....	۱۱۱
عقل در اعتبار سنجی روایات: .....	۱۱۱
عقل و صدور حکم .....	۱۱۲
عقل و تحلیل آیات و روایات: .....	۱۱۳
ششم: تحلیل فقهی قاعده انصراف .....	۱۱۴
تعریف انصراف: .....	۱۱۴
مناشی انصراف .....	۱۱۵
۱- غلبه وجودی: .....	۱۱۵
۲- بنای عقلا (اعم از سیره و ارتکاز): .....	۱۱۵
۳- بنای مشرعه (اعم از سیره و ارتکاز): .....	۱۱۶
۴- کثرت استعمال: .....	۱۱۶
جریان انصراف: .....	۱۱۷
ظهور انصرافی: .....	۱۱۷
هفتم: قاعده مناسبت حکم و موضوع: .....	۱۱۹
جایگاه قرینه مناسبت حکم و موضوع: .....	۱۱۹
حجیت مناسبت حکم و موضوع: .....	۱۲۰
جریان قاعده مناسبت حکم و موضوع: .....	۱۲۰
<b>فصل سوم گونه های تاثیر مولفه های اخلاقی بر استنباطهای فقهی ( شیوه ها و روش ها) ....</b>	۱۲۲
<b>مبحث اول: بهره گیری در انصراف از عمومات و اطلاقات .....</b>	۱۲۳
تعریف و تحلیل ارتکاز .....	۱۲۴
کاربرد ارتکازات .....	۱۲۵
نمونه های اخلاقی در ارتکازات فقهی .....	۱۲۶
<b>مبحث دوم: بهره گیری در مقام حل تعارض ادله .....</b>	۱۲۹

۱۳۰.....	مبانی حل تعارض
۱۳۱.....	حل تعارض با آموزه های اخلاقی
۱۳۶.....	مبحث سوم: تزییق یا توسعه حکم فقهی (دائرة شمول حکم)
۱۳۷.....	قلمرو ملاکات احکام:
۱۳۸.....	تخصیص و تقیید:
۱۴۲.....	مبحث چهارم: تضعیف و تقویت ادله نقلی فقهی
۱۴۳.....	آسیبهای ناشی از احادیث غیرمقبول:
۱۴۹.....	مبحث پنجم: رفع اجمال و ابهام
۱۴۹.....	آسیب شناسی متون روایی:
۱۵۰.....	آسیبهای درونی روایات ( توجه به فقه الحدیث):
۱۵۶.....	فصل چهارم: گونه های تاثیر مولفه های فقهی بر استنباطهای اخلاقی
۱۵۸.....	مبحث اول: تبیین حدود آموزه های اخلاقی
۱۵۸.....	اتقان نظام اخلاقی
۱۶۰.....	تعیین چهارچوب های شرعی برای موضوعات اخلاقی
۱۶۱.....	نمونه دوم:
۱۶۲.....	نمونه سوم
۱۶۴.....	مبحث دوم: تأمین مقدمات احکام و آموزه های اخلاقی
۱۶۵.....	صورت مطلوب دانش های دینی:
۱۶۶.....	گسترش حوزه تفقه:
۱۶۶.....	گسترش تفقه در اخلاق:
۱۶۹.....	نمونه اول:
۱۷۰.....	نمونه دوم:
۱۷۱.....	مبحث سوم: تأیید یا تشکیک در احکام و آموزه های اخلاقی:
۱۷۲.....	جوامع روایی و فقه احادیث:
۱۷۶.....	نمونه اول:
۱۷۸.....	نمونه دوم:
۱۷۹.....	مبحث چهارم: بهره گیری در فهم بهتر آموزه های اخلاقی
۱۸۰.....	ارتقای فهم در آموزه های اخلاقی:
۱۸۰.....	تتبع جوانب:

۱۸۲.....	نمونه اول:
۱۸۳.....	نمونه دوم:
۱۸۵.....	مبحث پنجم: بهره‌گیری در حل تعارض:
۱۸۷.....	جایگاه تعارض اخلاقی در جامعه دینی:
۱۸۸.....	گونه‌های تعارض (مستقر و غیر مستقر):
۱۹۱.....	تعارض ابتدایی (غیر مستقر):
۱۹۳.....	تعارض مستقر:
۱۹۹.....	خاتمه
۱۹۹.....	جمع بندی و نتیجه‌گیری:
۲۰۱.....	پیشنهادات:
۲۰۷.....	منابع و مآخذ

# فصل اول

## مفاهیم و کلیات

## گفتار اول: کلیات

### پیشگفتار:

تردید نیست علوم و معارف اسلامی، آن گاه مسیر رشد و تعالی و بالندگی را طی خواهند کرد که با تکیه بر سنتها و موارث علمی و با تاکید بر همان منابع به افق های ناگشوده و مسافتهای طی نشده چشم بدوزد و نیازهای علمی و معنوی مردم و جامعه را پاسخ داده و از زلال معارف خود آنان را سیراب کند. بدون شک ساختار علوم و معارف اسلامی از چنین ظرفیتهای لازمی برخوردار بوده و بسترهای فکری و فرهنگی آن در هیمنه تاریخ همیشه فراهم بوده است.

با بررسی و تتبع در میراث علمی و مکتوب جامعه اسلامی در طول تاریخ آشکار می شود که در میان علوم و معارف اسلامی، اقبال عمومی به علم فقه، اخلاق و کلام بیشتر بوده است، هرچند در میان این سه دانش گرانبها، سهم فقه بیشتر از دو علم دیگر نمود کرده است لکن باید قبول کرد با توجه به نیازهای جامعه مسلمانان و جذابیتهای معارف اخلاق و ضعف هایی که در طول تاریخ نصیب مردم و جامعه اسلامی شده است دانش اخلاق مورد عنایت واقع نشده است. از یک طرف علم اخلاق، از مهمترین حوزه های علوم و معارف دینی به شمار می آید به نحوی که کثیری از آیات الهی و روایات معصومین (ع) را به خود اختصاص داده است لکن از سوی دیگر ما در طول تاریخ با سده هایی مواجه می شویم که اصلاً آثار اخلاقی در این دوره ها نه تنها با رکود مواجه شده بلکه هیچ آثار اخلاقی تدوین نشده است. به یقین اگر مباحث اخلاقی در کنار احکام فقهی در جامعه رواج یابد باعث بالندگی و ترقی یک جامعه دینی خواهد شد. بویژه الان که با انقلاب شکوهمند اسلامی حکومتی بر پایه ولایت فقیه در سایه سار قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) شکل یافته است اهمیت آن مضاعف می نماید.

فقه، عملیات علمی استنباط حکم از دلیل شرعی است.<sup>۱</sup> فقه شیعه که میراث دار مکتب اهلبیت (ع) است، میراثی است ژرف، پرمایه، عظیم و انسان ساز و جامعه ساز. فقه دانشی است که تلاش می کند رفتارهای دینی مومنان و مکلفان را سامان دهد و آنها را در چهارچوب بایسته ها و نبایسته ها و به تعبیر

۱. کرکی، حسین بن علی، جامع المقاصد ج ۱ ص ۱۲، شهید اول، دروس ج ۱ ص ۸۹

فقهی حلال‌ها و حرامها در قالب احکام تکلیفی و وضعی طبقه‌بندی کند.<sup>۱</sup> از این رو دانش فقه بیش از هر دانش اسلامی دیگر آمیختگی اهداف و فوائد دنیوی و اخروی را در خود جای داده است. فقه می‌تواند با گسترش احکام و مسائل و موضوعات خودش در روابط اجتماعی و فردی انسانها ظهور یابد و رفتارهای انسانها را در مسیر تکلیف و بندگی و نیز سعادت و کمال تنظیم کند. از سوی دیگر فقه شیعه به اعتبار ارتباطش با ائمه اهلیت (ع) و بویژه امامین باقرین صادقین علیهما السلام و اعتقاد به عصمت و علم الهی و موروثی ائمه اثنی عشر از پیامبر (ص)، در طول سه قرن نخست فقط متکی بر نقل سنت شریف صادره از ائمه اهلیت (ع) بوده است،<sup>۲</sup> همین ارتباط و اتصال و نیز بهره‌گیری اصحاب و عالمان از ایشان بنابر نیازهای زندگی، سبب غنای کامل فقه شیعی در تمام فروع فقهی و ابواب گسترده آن شد. بر همین اعتبار هزاران احادیث ناب و پاک جمع شد سپس در قرون بعدی با عنوان تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه تدوین یافت تا پایه تمدن فقهی شیعه را برای همیشه بنا نهد. از آنجایی که مکتب اهلیت (ع) مستغنی از اجتهاد شخصی و اعمال ذوق فردی در فقه بوده است لذا فقهای این مکتب از رأی و اجتهاد شخصی در نتیجه نهی ائمه (ع) از آن اجتناب کرده و حتی در قرون اولیه سعی کرده اند از تالیفات فقهی و تبویب و تخریج آن براساس روایات باشد.

به سخن دیگر فقها در بیان رفتارها و ترتیب دادن مسایل فقهی مقید بوده اند عین عبارات روایات را متون فقهی خود مطرح کنند که بر همین اعتقاد کتاب‌هایی مانند المقنع و الهدایه شیخ صدوق، المقنعه شیخ مفید و النهایه شیخ طوسی تنظیم شده اند. این شیوه ادامه داشت تا اینکه مرحوم شیخ طوسی با تالیف کتاب جاودانه المبسوط فی فقه الامامیه که آن را برای ابراز عظمت فقه امامیه و فراگیری آن نسبت به همه مسائل و فروع فقهی و حتی مسائل فرضی و مستحدثه تالیف کرده بود، وی کوشید در این کتاب قالب فقهی مستقلی همراه با استدلال‌های فقهی به روش امامیه و مقایسه آن با دیگر مذاهب ارائه بدهد. فقهای پس از او از این شیوه پیروی کرده و از آن پس کتب فقهی از کتب حدیثی استقلال یافت و روش خاص خود را در منابع استنباط و استدلال که همان تکیه بر کتاب و سنت شریف بدون استفاده از قیاس

<sup>۱</sup>. سلطانی، محمدعلی، اهداف فقه ص ۸.

<sup>۲</sup>. هاشمی شاهرودی، سید محمود، روش استنباط در علم فقه، ص ۱۷.

و استحسان و مصالح مرسله و دیگر ظنون و ذوق شخصی بود حفظ کرد. آرام آرام اصطلاحات خاص فقهی در استدلال ها و استنباط های فقها پدید آمد که اصالت و استقلال و قوت این علم و شیوه های آن را حتی نسبت به دیگر مذاهب نشان می دهد. اوج این لطافت ها را می توان در میراث علمی مرحوم علامه حلی مشاهده کرد.

آثار فقهی شیعه در عصر مرحوم محقق حلی و علامه حلی باعث شد که حتی دیگر آثار علمی شیعه از قبیل کلام و حدیث نیز در جهان آنروز بدرخشد و برتری های آن آشکار شود. عجیب آن است که فقهای شیعه نه تنها بر قله های فقهی و استنباط و استدلال های متین و فنی آن قدم برمی داشتند بلکه تضلع این فقها و اشراف آنان بر دیگر مذاهب در فقه مقارن و مناقشه آراء فقهای دیگر مذاهب و مکاتب در موارد نمایان بود. پرتو درخشان آثار فقهی فقهای مکتب اهل بیت گسترش بیشتری یافت و عظمت این میراث فقه امامیه که بر سه مؤلفه استقلال، پاکی، قوت در منبع، روش و استدلال بر همگان آشکارتر شد و همین امر خشم کینه توزانی از علمای رسمی وابسته به حاکمان جور را برانگیخت و نسبت به شیعه و فقها و عالمان مکتب اهل بیت (ع) دست به خشونت زدند. عالمان شیعه را آواره و مدارس علمی را ویران و کتابخانه ها را آتش زدند و بسیاری از فقها را همانند شهید اول و شهید ثانی به قتل رساندند. امروز هجمه های فراوانی علیه فقه شیعه و عالمان مکتب اهل بیت (ع) در میان است. لکن با این همه فکر و فقه شیعی جاودان باقی ماند و خصوصاً با زحمات طاقت فرسای هزاران فقیه و عالم در مکتب اهل بیت (ع) ما امروز شاهد صدها میراث مکتوب از این فقهای بزرگ هستیم که باید بر همان شیوه پایدار بماند. البته ممکن است در برهه ای از زمان افراط صورت گرفته باشد و فقهایی با عنوان اخباریین سعی در انحصار ادله احکام شرعی بر اخبار معصومین (ع) داشتند لکن چون فقه روش خاصی با پشتوانه عظیم علمی در تاریخ داشت لذا بساط اخباریین با شیوه اخباریگری را جمع کردند. هرچند برخی بر این اندیشه هستند که روش افراطی اخباریین در زدودن استدلالهای فقهی از استدلالهای عقلی و ظواهر آیات، منبعث از این بود که برخی از فقهای قبلی در روش استنباطی به منابع روایی تفریط کرده و خصوصاً در روایات کتب اربعه با صرف ضعف سند قائل به عدم صحت این روایات و کنار گذاشتن آنها شده بودند که می توان در برخی استدلالهای مرحوم محقق اردبیلی و شاگردش صاحب مدارک به این موارد رسید.

علم فقه در این دوره بسیار کوتاه که با افراط قلیلی از عالمان مواجه شد در طول تاریخ با بهره گیری از روش استنباط و استدلال احکام فقهی از ادله شرعی آن توانمند جلوه کرده و در تمامی دوره ها برابر با زمان خود پاسخگوی تمامی احکام مورد ابتلا و مستحدثه بوده است، لکن همان طور که قریب به اتفاق فقهای شیعه پذیرای این مطلب هستند که پویایی فقه شیعه به لزوم اجتهاد در عمده مسائل آن و نیز برداشتهای فقهی قابل اجرا در بین مردم و جامعه است، برخی از فقها از قدما تا متاخرین و نیز معاصرین صراحتاً به این مطلب اذعان داشته اند. از جماعت قدما می توان به شیخ مفید<sup>۱</sup> و سیدمرتضی<sup>۲</sup> شیخ طوسی<sup>۳</sup> و مرحوم ابن ادریس<sup>۴</sup>، و از متاخرین می توان به مرحوم محقق حلی<sup>۵</sup> و مرحوم محقق اردبیلی<sup>۶</sup> و محقق سبزواری<sup>۷</sup> و مرحوم صاحب جواهر<sup>۸</sup> و شیخ جعفر کاشف الغطاء<sup>۹</sup>، و مرحوم میرزای قمی<sup>۱۰</sup> و مرحوم صاحب ریاض<sup>۱۱</sup> و در بین معاصرین نیز می توان به آیه الله سیدمحمدتقی حکیم<sup>۱۲</sup> و مرحوم آقای خویی<sup>۱۳</sup> و شهید صدر<sup>۱۴</sup> و امام خمینی (ره)<sup>۱۵</sup> و دیگران اشاره کرد.

امروزه اجتهاد در فقه شیعه با شیوه استنباطی قوی و غنی کهن باید پیش برود لکن پویایی در گرو این است که در مصادیق جدید و موضوعات نو ورود کرده و احکام فقهی متناسب آن را استخراج کند و لازمه چنین ورود و خروج در استنباط همه جانبه نگری و مجموعه بینی ظرفیت های دینی و آموزه های

۱. شیخ مفید، المقنعه ص ۲.

۲. علم الهدی، سیدمرتضی، رسائل المرتضی، ص ۱۶.

۳. طوسی، محمدبن الحسن، المبسوط ص ۱۲، الاقتصاد ص ۷.

۴. حلی، محمدبن ادریس، سرائر، ج ۱ ص ۱۶.

۵. حلی، جعفر بن الحسن، المعتمر، ص ۴.

۶. اردبیلی، ملااحمد، مجمع الفائده و البرهان، ج ۱، ص ۲۲.

۷. سبزواری، محمدباقر، کفایه الفقه ص ۹.

۸. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۱ ص ۱۲ ج ۶ ص ۲۷، ج ۲۱ ص ۳۱۱.

۹. کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء، ص ۶، ج ۱ ص ۱۵.

۱۰. قمی، میرزاعلی بن محمد، جامع الشتات، ص ۱۲.

۱۱. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل ج ۱ ص ۸.

۱۲. حکیم، محمدتقی، اصول الفقه المقارن ص ۲۹.

۱۳. خویی، ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۱ ص ۳۹.

۱۴. صدر، محمدباقر، روند آیه اجتهادی، ص ۱۹.

۱۵. امام خمینی، روح الله، کتاب البیع ج ۱ ص ۱۲۵.



دیگری است که در همان باب وارد شده است. جامعه جهانی امروز با نکته سنجی فراوان و دقت خاص خود در پی موشکافی احکام فقهی شیعه خصوصاً در مسائل مستحدثه و حتی در مسائل و احکامی است که از سوی فقهای گذشته صادر شده بود. امروزه فقه شیعه باید توانایی کامل خود را در ورود به صحنه های امروزی اثبات کند و به تعبیر امام خمینی فقه باید از کتاب ها و سینه ی علما خارج شده و در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآید.<sup>۱</sup> ممکن است مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست، اجتماع و اقتصاد حکم جدیدی پیدا کند.<sup>۲</sup> بدون تردید یکی از ساختار و ظرفیت هایی که فقه می تواند از آن بهره کافی برده و با منظومه نگری و مجموعه بینی معارف دینی به استنباط احکام فقهی پردازد از آموزه های فراوان اخلاقی است که در معارف اسلامی وارد شده است. البته بر همگان آشکار است که دانش اخلاق با همه ظرفیت و توصیه هایی که در متون دینی به آن شده است غریب مانده و نه تنها همانند فقه و یا دیگر علوم اسلامی توسعه نیافته بلکه در رکود و عدم اقبال قرار گرفته است.

حضرت امام رحمه الله علیه در وصیت نامه سیاسی الهی خود می فرماید: از والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار بگیرد علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله است.<sup>۳</sup> حقیقت آن است که بر طبق تعالیم اسلامی بر همگان مبرهن است که خداوند متعال با فرستادن پی در پی کتب آسمانی و رسولان الهی همواره انسان را به تهذیب نفس و سیر و سلوک معنوی و دوری از رذایل اخلاقی و آراسته کردن خویش به فضایل اخلاق دعوت کرده است. بر همین اعتبار بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم مربوط به مباحث اخلاق است. قرآن کریم در آیات متعددی تعلیم و تزکیه نفس را دو هدف عمده و اصلی خداوند از ارسال رسولان و فرستادن کتاب های الهی می داند. و از سوی دیگر حجم وسیعی از سنت شریف (روایات حاکی از گفتار رفتار و سیره پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام) شامل آموزه های پاک و ناب

۱. خمینی روح الله صحیفه امام ج ۲۱ ص ۲۸۹

۲. همان ص ۲۹۱

۳. خمینی، سید روح الله، وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی ص ۲۱

اخلاقی است که برخی از این ها در متون مستقل تدوین یافته اند.<sup>۱</sup> در قرون متاخر که محدثین گرانقدری چون شیخ حر عاملی به تدوین موسوعه فقهی وسائل الشیعه همت گماشته اند در این میان نتوانسته اند از احادیث اخلاقی اغماض کنند لذا در برخی از مجلدات خود به ذکر این احادیث اخلاقی در باب مستقلی پرداخته اند یا حتی برخی از فقها مانند سید عبدالاعلی سبزواری در کتب فقهی خود به ذکر برخی از مباحث اخلاقی مانند امر به معروف و نهی از منکر در ضمن مباحث فقهی خود پرداخته اند که همه نشان از تنیدگی و تأثیرات متقابل این دو علم در یکدیگر دارد.

هرچند برخی از محققان تقدم زمانی فقه بر اخلاق را سبب عدم اقبال به علم اخلاق دانسته اند لکن در نگاه منصفانه باید گفت تقدم اخلاق بر فقه از حیث زمانی امر مسلمی است نه برعکس آن. اما آنچه را می توان در این عدم اقبال مطرح کرد تعریفی است که فقه در مرحله نخست رایج شده بود. عالمان در ابتدا فقه را بر تمامی احکام و معارف دین تطبیق می دادند و بر همین اساس فقه را فهم عمیق از دین تفسیر می کردند. هرچند کم کم فقه منحصر در استنباطهای احکام شرعی و مسائل فرعی عملی شد و از دیگر آموزه‌های دینی مانند اخلاق کمتر استفاده شد اما باید باور کنیم درک صحیح و شناخت دقیق یک مسئله و حکم مرتبط با آن هنگامی حاصل می شود که همه ابعاد آن خصوصاً در دایره دین و معارف دینی شناخته شوند. این نکته در مورد اخلاق نیز قابل توجه و سریان است که نگاه های ذوقی و دور از تفقه موجب شده است که مباحث و آموزه‌های اخلاقی احیاناً و در برخی از موارد از شمولیت و فراگیری تمام دور شود و در دیدگاه انحصاری عالمان اخلاق نگار قرار بگیرد و یا حتی از زلالی و خلوص آن نصیب دیگران نشود. بر همین اساس برخی از عالمان مانند آقا مجتبی تهرانی صریحاً ابراز داشته است که در مباحث و آموزه‌های اخلاقی باید تفقه اخلاقی کرد همانطور که در مباحث فقهی لازم است.<sup>۲</sup> برخی دیگر از عالمان اخلاقی گفتند بسیاری از مباحث و آموزه‌های اخلاقی را باید با تفسیرهای فقهی و موضوع شناسی فقهی توجه کرد تا بهتر بتواند رفتار و سیر و سلوک بندگان الهی را هموار کرد. بنابراین لازم است با بررسی و ارائه شیوه های علمی هر یک از دانش فقه و اخلاق به راهکارها و

<sup>۱</sup>. می توان به نهج البلاغه صحیفه سجادیه، رساله الحقوق، غررالحکم و دررالکلم، بحارالانوار ج ۶۲ تا ۷۶، برخی از مجلدات اصول کافی اشاره کرد.

<sup>۲</sup>. تهرانی، آقا مجتبی، اخلاق الهی، ج ۲، ص ۱۲۵.

روشهایی پرداخت که هم بر طبق آن احکام و فتاوی فقہی متناسب با موازین اخلاقی استنباط کرد به نحوی که مردم و جامعه از لطافت و ظرافت آن بهره بگیرند همانطور که در طول تاریخ استفاده کرده‌اند و از فتاوی غیر اخلاقی و غیر منضبط که احیاناً با نگاهی انحصاری یا ذوقی به دست آمده است به طور کلی دور شویم. از سوی دیگر آموزه‌ها و مباحث اخلاقی با بهره‌گیری از تفقه اخلاقی و نیز موضوع شناسی و نیز بررسی حدود و حریم آن توانایی بهتری برای عمل کردن آن فراهم شود و این مباحث نیز از انزوا و تک‌بعدی خارج شده و در سراسر زندگی مردم خصوصاً در سیر و سلوک معنوی و اخلاقی جریان کامل داشته باشد.

## گفتار اول: کلیات

### بیان مسئله:

تاریخ جوامع مختلف بشری و به ویژه گذشته عبرت آموز جامعه و امت اسلامی شاهدان صدق این حقیقت هستند که میان اهتمام شایسته علمی و عملی به احکام شرعی و آموزه‌های اخلاقی و عزتمندی و تعالی جامعه از سویی و میان بی‌اعتنایی به احکام شرعی و مباحث اخلاقی و انحطاط افراد و جامعه از سوی دیگر ارتباط مستقیم برقرار است. آنچه نجات‌بخش جوامع و افراد امت اسلامی در هر زمانی خواهد بود دانش‌ها و معارف و حیانی اسلامی است که عالمان می‌توانند با شناخت و ارائه آن رهنمون همگانی باشند. علوم و معارف اسلامی از آغاز پیدایش و تاسیس آن به رشته‌ها و علوم مختلف از جمله عقاید، اخلاق، فقه، تفسیر و تاریخ و... تقسیم گردید و بر همین اساس این تقسیم، هر بخش از موضوعات و مسایل مورد نیاز جامعه در یکی از علوم مورد بحث و پژوهش قرار گرفت و به موضوعات و مباحث آن علم معروف و مشهور گردید و دیگر علوم از ورود و تحقیق در آن مسائل و موضوعات منع شدند. از جمله این علوم می‌توان به دو علم فقه و اخلاق اشاره کرد که از همان آغازین انشعاب علوم اسلامی در میان مسلمانان پدید آمد و هر یک از این دو علم، موضوعات و مسائل خاصی را به خود اختصاص دادند. فقه عملیات علمی استنباط احکام از دلیل شرعی است<sup>۱</sup> که در ابتدا بر فهم عمیق همه مسائل و

<sup>۱</sup> - کرکی، علی بن الحسین، جامع المقاصد، ج ۱، ص ۱۲

معارف دین اطلاق می گردید لکن به تدریج و با گسترش علوم و موضوعات انبوه و مختلف و با تدوین علوم اسلامی، دامنه آن محدود شد و به فهم و استنباط احکام در حیطه فروع عملی منحصر گردید.<sup>۱</sup> اخلاق، علم تهذیب نفس است که اعمال و سلوک انسان را از جهت نقش آن در تهذیب یا آلودگی نفس بررسی می کند.<sup>۲</sup>

با تتبع و بررسی کلی میراث مکتوب علمی دانشمندان مسلمان این واقعیت آشکار می شود که در میان علوم سنتی اسلامی سهم آموزه های اخلاقی با توجه به ظرفیتها و لطافت هایی که این دانش دارد مورد عنایت جدی واقع نشده است. اگرچه عالمان اسلامی هیچ گاه از تربیت اخلاقی توده مسلمانان غافل نبوده اند لکن بررسی آثار مکتوب علمی آنان نشان می دهد سهم آثار اخلاقی بسیار کم بوده است به نحوی که می توان امروز ادعا کرد دانش اخلاق توسعه پیدا نکرده و کانون توجه بسیاری از عالمان و اندیشمندان مسلمان واقع نشده است. اما دانش فقه فربه شده و با غنای بیشتری جلوه کرده و فقیهان بزرگی به تدوین آثار مهمی در این باره اقدام کرده اند و بوستان فقهی شیعه امروزه سرشار از مسائل و احکام و قواعد و اصطلاحات فنی و توانمندی است که با بهره مندی از آن می تواند پاسخگوی نیازهای افراد و جامعه اسلامی باشد. باید توجه داشت در یک بررسی علمی خصوصاً استنباط های فقهی نمی توان در برخی از امور به یک طرح جامع و دقیق دست یافت مگر آنکه برخی از معارف و آموزه های دینی دیگر را نیز مدنظر قرار داد. امروزه سخن از رابطه بین فقه و اخلاق و مقایسه علم شناختی بین این دو سخنی است که هر دو بر آشنایان ابتدایی این دو علم بدیهی می نمایند پس باید به تأثیرات متقابل این دو برابر با آموزه ها و تعالیم دینی پرداخت. لکن باید پذیرفت این دو علم، مستقل از یکدیگر و هر یک ساحت خاصی را عهده دارند هرچند تشابهات و تفارقاتی بین آنهاست ولی نباید تعاملات و تأثیرات هر یک بر دیگری را انکار کرد. امروز نه تنها مکلفان بلکه دیدگان دیگری مترصد آن است که فتاوی فقهی را با ریزبینی در سنجه آموزه ها یا اصول و قواعد مسلمة اخلاقی قرار بدهند تا میزان اخلاقی و ارزشی بودن آنها را دریابد که اینها وظیفه را بر فقیهان و صاحبان فتوا مضاعف می کند. الان نمی توان پذیرفت

<sup>۱</sup> - حکیم، محسن، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۱

<sup>۲</sup> - نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، ص ۲۲